



تصویر ۱: محصوریت بصری  
و احساس قرارگیری در  
فضای هویت‌مند. میدان  
نقش جهان اصفهان، عکس:  
جوادیان، ۱۳۸۶.



صمد نگین تاجی، کارشناس  
ارشد معماری، عضو گروه  
پژوهشی معماری و طراحی  
شهری مرکز مطالعات و  
برنامه‌ریزی شهر تهران  
Samad Negin Taji, M.A in  
Architecture  
negintaji\_samad@yahoo.com

چکیده: حس مکان یعنی تجربه و درک خاص از یک قرارگاه ویژه که جهت‌گیری شخص را نسبت به یک مکان با احساسی از تفاوت، جهت‌یابی و درک فضایی مشخص می‌کند. در این مقاله حس مکان به عنوان یک پایگاه نظری در حوزه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. از صاحب‌نظران در این زمینه می‌توان رلف (۱۹۷۶)، توان (۱۹۷۷، ۲۰۰۲)، استیل (۱۹۸۱)، شامای (۱۹۹۱) و آلتمن و لاو (۱۹۹۲) را در حوزه‌های مختلف برشمرد. از اهداف این نوشتار مشخص کردن چارچوب‌های این حوزه و کاربردی کردن آن در زمینه معماری و شهرسازی برای طراحان است. در راستای تحقق اهداف مذکور، این نوشتار به بررسی مفاهیم ارتباط انسان و مکان، پیوند انسان و مکان از نظرگاه‌های مختلف و در نهایت به حس مکان با رویکردی کالبدی که بیشتر در اختیار طراحان و قابل کنترل است، می‌پردازد. دستاورد اصلی این مقاله را می‌توان در ذکر این نکته دانست که از لحاظ کالبدی، محیطی که دارای کاراکتر مشخص و متمایز باشد، در آفرینش حس مکان موفق‌تر است.

واژگان کلیدی: حس مکان، حس تعلق، عوامل کالبدی تعریف فضا.

about the effective physical elements on the sense of place for architects and designers. The main contribution of this paper is to demonstrate that a physically distinctive character based environment is more successful in creation of the sense of place. Hypothesis: Defining the space is an effective element in making architecture distinctive from environment which is related to the quality of edge and boundary, enclosure, contrast and variety, views, landscaping and naming. Therefore, a physically distinctive character based environment is more successful in creation of the sense of place. Hypothesis: Since the space is a significant

element in making the environment different from the architecture physically, a special and a specified character based environment can be successful in creating the sense of place.

**Keywords: sense of place, affiliation, physical elements, Definition of space.**

# مکان و حس مکان

بررسی نقش عوامل کالبدی در تشکیل مفهوم مکان



## Place and the Sense of Place

The role of physical **elements in defining the** sense of place

**Abstract:** Particular experience and perception of a special setting specifying a person's orientation to a place and a feeling of spatial differentiation, orientation and perception is defined as the sense of place.

In this paper, the sense of place has been discussed in different aspects as a theoretical basis, and determining these aspects and their applications in the context of architecture and urbanization is considered the main goal. The research methodology is based on the relationship between human and place concepts, and the integration of human and place in different views. These results concluded in new early stage designing criteria





تصویر ۳: خلق و تقویت احساس دل‌انگیزی با قرارگیری نشانه‌های بصری در محور دید. امامزاده ابراهیم، کاشان، عکس: جوادیان، ۱۳۸۶.

#### مقدمه

محیط مصنوع، شبکه‌ای پیچیده از روابط متنوعی است که نه تنها بین افراد با همدیگر بلکه بین افراد و محیط نیز رخ می‌دهد. زمانی که ارتباط انسان و محیط مبتنی بر تجربه‌ای برای انسان باشد، محیط به مکان تبدیل می‌شود. این ارتباط بدین معنی است که مکان یعنی یک بخش از تجربه محیطی، همراه با همگرایی شناخت‌ها، تأثیرات و رفتارهای افرادی که با آنها زندگی می‌کنند (Pretty, 2003: 275). ارتباط با مکان را می‌توان از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار داد. برای نمونه از لحاظ مقیاس می‌تواند بسیار بزرگ باشد (کشور - شهر)، اندازه متوسط (محلّه) داشته باشد یا حتی کوچکتر (خانه) باشد (پرتوی، ۱۳۸۸: ۶۲). آنها می‌توانند ملموس یا سمبولیک، تجربه شده یا تجربه نشده، شناخته یا ناشناخته باشد. در افراد مختلف، روابط حاصل از ارتباط با مکان‌های متنوع حس‌های متفاوت از هم ایجاد می‌کند. که به ویژگی‌های فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی آن مکان مرتبط است. انواع متفاوت ارتباط با مکان با بازبینی نظرات شامای (۱۹۹۱) توسط کراس، در جدول زیر آمده است:

رابطه با مکان	نوع پیوند	فرایند
بیوگرافیکی	تاریخی و خانوادگی	متولد شدن و زندگی کردن در یک مکان، مکان را به مشخصه‌ای از تاریخچه شخصی فرد تبدیل می‌کند، با مرور زمان گسترش می‌یابد.
روحي، روانی	هیجانی، ناملموس	حس تعلق، به جای اینکه ایجاد شود، به سادگی احساس می‌شود توصیف آن دشوار و اغلب غیر منتظره است.
ایدئولوژیکی	اخلاقی و وجدانی	زندگی بر اساس رهنمودهای اخلاقی، که می‌تواند مذهبی و غیر مذهبی باشد، در مورد مسئولیت انسان نسبت به مکان.
روایی	افسانه‌ای	کسب اطلاعات در مورد یک مکان از طریق داستان‌ها، شامل اسطوره‌ها، شجره‌نامه‌های خانوادگی، شرح وقایع سیاسی و افسانه‌ای.
انطباقی <sup>۱</sup>	شناختی (بر اساس انتخاب و مطلوبیت)	انتخاب یک مکان بر مبنای لیستی از ویژگی‌های مطلوب و ترجیحات در مورد سبک زندگی، مقایسه مکان‌های واقعی با مکان ایده‌آل.
وابسته	مادی	محدود شدن به واسطه عدم وجود انتخاب و وابستگی به شخص دیگر یا فرصت اقتصادی

برده‌اند (Hidalgo and Hernandez, 2003).

با این تفاسیر، مشخص کردن تعاریف موجود در حوزه‌های علمی متفاوت می‌تواند سودمند باشد. در زیر برخی از تعاریف ارائه شده توسط پژوهشگران متفاوت در حوزه‌های علمی متفاوت آورده شده است که خود اختلافات و اشتراکات بین آنها را آشکار خواهد ساخت. در تمام علوم مورد اشاره رابطه انسان و محیط بر اساس تعامل و یک حس تجربی انسان از محیط مورد مطالعه قرار گرفته شده است. در این حالت انسان و محیط مجموعه‌ای واحد را به وجود آورده و هیچ‌یک به تنهایی قابل تعریف نیست. اما به دلیل آنکه تعریف‌های آنها به کیفیات و مشخصات متفاوتی از مکان برمی‌گردد، سه نوع نگاه به حس مکان وجود دارد:

حس مکان<sup>۵</sup>: احساسی که از تفاوت فضایی، جهت‌یابی فضا و درک آن به وجود می‌آید.

روح مکان<sup>۶</sup>: پیوند با کیفیت‌های منحصر به فرد مکان و درک آن یا مشخصه آن مکان.

وابستگی به مکان<sup>۷</sup>: ادراک ذهنی از یک مکان و ارتباط فردی با آن بر اساس تجربه شخصی.

عناصر شکل‌دهنده این سه گروه را می‌توان در درجه‌های متفاوتی از عناصر فیزیکی و فضایی تا عناصر شخصی و غیر مادی و ذهنی کنار هم قرار داد که ممکن است برای

#### فرضیه

از آنجا که فضا عاملی مؤثر در متمایز ساختن محیط از معماری است، به لحاظ کالبدی، محیطی با کاراکتر مشخص و متمایز می‌تواند در آفرینش حس مکان موفق‌تر باشد.

#### رویکردهای مختلف به حس مکان

نگاه علمی به پدیده پیوند افراد با مکان، مقوله‌ای تازه نیست؛ انواع دیدگاه‌ها در حوزه‌های علمی متفاوت مانند پدیدارشناسی، انسان‌شناسی، روانشناسی محیط، معماری، جامعه‌شناسی، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری برای این مفهوم تعاریف متفاوتی را ارائه داده‌اند (Hidalgo and Hernandez, 2003: 273).

هنگام مطالعه پیوند افراد با مکان، مشکل اصلی که پژوهشگران با آن مواجه بودند، تنوع نگرش‌ها در سطوح نظری و عملی، همراه با تعاریف متفاوتی که در ارتباط با این مفهوم ارائه شده است، دانسته شد. به منظور توصیف پیوند افراد با مکان، محققان، شماری از اصطلاحات همچون هویت مکان، دلبستگی به مکان، وابستگی به مکان و مفهوم مکان را بکار بسته‌اند (Low and Altman, 1992: 28). اغلب سخت است که بگویم آیا در این میان مفهومی مشابه با نام متفاوت یا مفهومی متفاوت وجود دارد یا خیر. مثلاً، لالی<sup>۲</sup> (۱۹۹۲) از وابستگی به مکان به عنوان جزئی از هویت مکان استفاده نمود، در حالی که براون و ورنند<sup>۳</sup> (۱۹۸۵) هر دو آنها را مترادف با یکدیگر بکار



القاء می‌شود. حس مکان از ادراک فردی و اجتماعی، عادات و تجربه پدیدار می‌شود (Jiven and Larkham, 2003) این حس هر روز با ایجاد تغییرات توسط افراد در فضای هندسی زندگی‌شان، رخ می‌دهد (Tuan, 1977) که تدریجی و ناخودآگاه از ساکن شدن در محیط، آشنا شدن با خصوصیات فیزیکی و تعلق به یک محدوده منتج می‌شود و بیشتر بر خصوصیات و کیفیات مثبت یک محیط تأکید می‌ورزد (Jakson, 1994:23) عوامل شکل‌دهنده حس مکان را می‌توان در دو گروه عوامل ادراکی شناختی و کالبدی دسته‌بندی کرد (فلاح، ۱۳۸۵: ۶۴)، که به سه صورت؛ تفاوت فضایی (کالبدی)، جهت‌یابی در فضا و درک فضا (ادراکی و شناختی) نمود پیدا می‌کند (Jiven and Larkham, 2003). عوامل ادراکی - شناختی، فرایندی ذهنی و فردی است که شکل‌گیری و حفظ آن همراه با فرایندهای بیولوژیکی، محیطی، روان‌شناختی و اجتماعی فرهنگی است و برای طراح قابل کنترل نخواهد بود. توان<sup>۸</sup> می‌گوید فضا با تبدیل به مکان از طریق تعریف<sup>۹</sup> و معنا<sup>۱۰</sup> درک می‌شود (Tuan, 1977). آنچه باعث تعریف فضا می‌شود، بازشناسی و حس مکان را نیز موجب می‌شود. این حس در مکان‌هایی با کاراکتر مشخص و متمایز تبلور می‌یابد و در این حالت است که ساختمان‌ها خاطره‌انگیز و حس بازشناسی به افراد القاء می‌شود.

برای تعریف فضا باید به تمام عناصر تشکیل‌دهنده محیط؛ معماری ساختمان، محیط اطراف و مشخصه‌های منظر توجه شود. عوامل مؤثر در تعریف فضا؛ لبه و مرز، محصوریت بصری، تضاد و تنوع، دیدها، ورودی و خروجی، منظرسازی و نام‌گذاری است. لبه و مرز<sup>۱۱</sup> : می‌تواند به وضوح منجر به درک تفاوت‌های فضایی مکان شود (Schwanke, 2003). اتصال و یکپارچگی بدنه‌ها یکی از متداول‌ترین و قابل‌درک‌ترین شیوه‌ها در تعریف حدود فضا است. اتصال بدنه‌ها در قالب ضوابط شناخته‌شده شهری، نقش مهمی در بهبود تعریف فضا دارد و می‌تواند به غنای آن کمک کند. بدین منظور باید عرصه‌های عمومی و خصوصی در مقیاس متفاوت تفکیک شده و سکانس‌های حرکتی از پیوستگی برخوردار باشد. در این حالت، مراتب ادراک فضا، تسهیل و منجر

انسان‌شناسی	ارتباطات سمبولیک که پیونددهنده هستند (وابستگی به مکان در فضای عمومی)	«دل بستگی به مکان» ارتباطی سمبولیک است، افرادی آن را شکل می‌دهند که مفاهیم عاطفی / هیجانی مشترک فرهنگی را به فضای ویژه از قطعه زمینی می‌دهند و مبنایی برای درک افراد و گروه‌ها از محیط و ارتباط با آن قرار می‌گیرد. بنابراین دل بستگی به مکان چیزی بیش از تجربه هیجانی و شناختی است و باورها و اعمال فرهنگی که افراد را به مکان ارتباط می‌دهند، نیز شامل می‌شود (Setha Low).
روان‌شناختی محیط	«حس مکان»	«حس مکان» عبارت است از تجربه ویژه یک شخص در محیطی ویژه (برانگیخته از احساسات، هیجانات، سرور، راحتی و الی آخر)؛ (Fritz Steele)
جغرافیا	«مکان دوست» <sup>۴</sup>	«توپوفیلیا» عبارت است از پیوندی عاطفی بین افراد و مکان یا محیط که از لحاظ شدت، ظرافت و روش ابراز متنوع هستند. واکنش به محیط می‌تواند زیباشناختی، لمسی یا هیجانی باشد (Yi-Fu Tuan).
معماری / تاریخ	«حس مکان، حس زمان»	«حس مکان» چیزی است که ما خودمان در جریان زمان ایجاد می‌کنیم. این مقوله نتیجه عادت یا آداب و رسوم است. آنچه ممکن است مفهوم رویدادهای متناوب نامیده شود، حس مکان را تقویت می‌نماید (John Brinckerhof).
جامعه‌شناسی	«دل بستگی به اجتماع : گرایش محلی و حس مکان»	منظور من از «حس مکان» عبارت است از ادراکات ذهنی افراد در مورد محیطشان و احساسات کم و بیش خودآگاه آنها در مورد آن. حس مکان به طرز اجتناب‌ناپذیری ماهیت دوگانه دارد؛ منطقی تفسیری را در مورد محیط، و واکنش هیجانی را نسبت به محیط شامل می‌شود. حس مکان جهت‌گیری شخصی را نسبت به مکان شامل می‌شود که در آن درک شخص از مکان و احساسات وی در مورد مکان در بافت معنای محیط‌نگر در هم می‌آمیزند (David hummon).

جدول ۲: پیوند بین انسان و مکان در زمینه‌های متفاوت. مأخذ: (Cross, 2003: 1, 2).

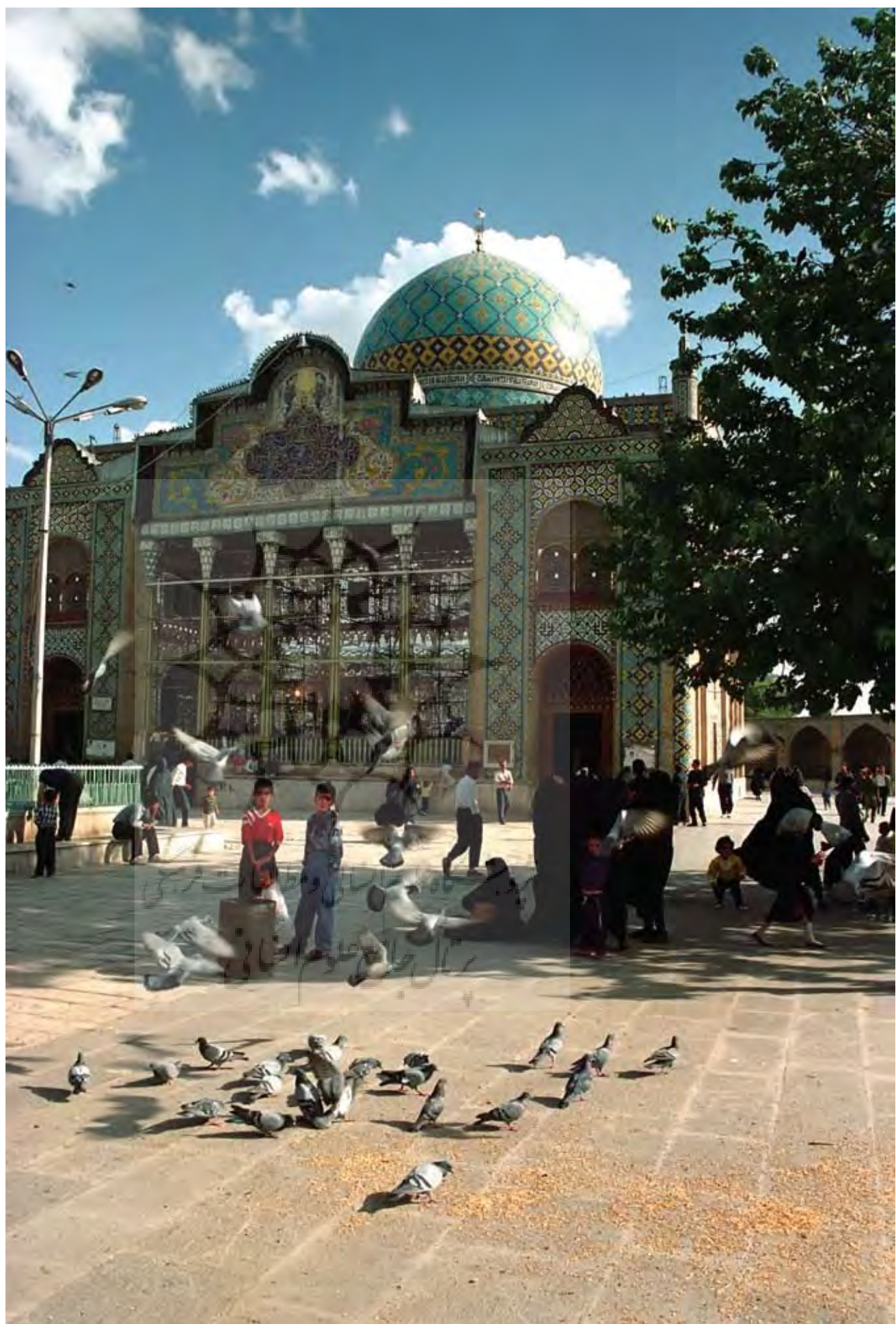
جدول ۱: (صفحه مقابل) ارتباط با مکان. مأخذ: (Cross, 2003: 3).

طراح، قابل کنترل و یا غیر قابل کنترل باشد. برای مثال، ایجاد حس مکان و آفریدن فضای متفاوت، بیشتر تحت تأثیر عناصر فیزیکی است. بنابراین برای طراح، نسبت به دل بستگی به مکان با عناصر غیر فیزیکی مانند زمان، اجتماع، قابل کنترل تر است. دل بستگی به مکان، چیزی است که بسیار شخصی و کیفیتی عینی تر نسبت به روح مکان دارد و دارای جنبه‌های عمومی تر و کیفیتی ذهنی تر است (Steele, 1981: 36). گرچه برای داشتن تصویر واضح و روشن از مکان طراح می‌بایست هر سه دیدگاه را که در تعریف حس مکان شرکت می‌کند، با هم در نظر بگیرد؛ اما با توجه به کنترل بیشتر حس مکان توسط طراح، این مقاله نیز بر این موضوع تمرکز می‌کند.

### رویکرد کالبدی به حس مکان

حس مکان یعنی تجربه و درک یک شخص از قرارگاهی ویژه و آنچه از ماهیت مکان برای یک انسان ادراک می‌شود، با داشتن این حس متفاوت بودن محیط به فرد





تصویر ۲: تضاد و تنوع  
عامل ایجاد حس و تشخیص  
فضاها برای خوانایی بیشتر.  
بقعه شاهزاده حسن، قزوین.  
عکس: جوادیان، ۱۳۸۶.

## پی‌نوشت

۱. Commodified .۲. Lalli .۳. Brown and Werner .۴. Topophilia .۵. Sense of the place .۶. Spirit of the place .۷. Attachment of the place .۸. Tuan .۹. Definition .۱۰. Meaning .۱۱. Edge and boundary .۱۲. Enclosure .۱۳. Entrances and exits .۱۴. Naming

## منابع

- فلاحت محمد صادق (۱۳۸۵)، «مفهوم حس مکان و عوامل تشکیل دهنده آن»، هنرهای زیبا، شماره ۲۶، ص ۵۷الی ۶۶
- پرتوی، پروین (۱۳۸۸)، پدیدارشناسی مکان، فرهنگستان هنر، تهران

## Reference list

- Altman, I. & Setha L. (ed.) (1992). Place Attachment. New York: Plenum Press.
- Cross, J.E. (2003). Conceptualizing Community Attachment. Available from <http://www.ruralsociology.org/annual-meeting/2003/CrossJennifer.pdf>.
- Hidalgo, M.C. and Hernandez, B. (2001). Place attachment: conceptual and empirical questions, Journal of Environmental Psychology, 21: 273-281.
- Falahat, M. S. (2006). The Sense of Place Concept and its consisting elements. Journal of Fine Arts. No.26.
- Jackson, John B. (1994). A Sense of Place, a Sense of Time. New Haven: Yale University Press.
- Jiven, G. and Peter L. (2003). Sense of Place: Authenticity and Character. Journal of Urban Design 8 (1): 67-81.
- Low, S.M. and Altman, I. (1992). Place attachment: a conceptual inquiry, in Place Attachment, pp. 1-12, Eds. Altman, I., and Low, S.M., New York: Plenum Press.
- Partovi, Parvin (2009) Phenomenology of place. Tehran: Art cultural center publications.
- Pretty, G.H., Chipuer, H.M. and Bramston, P. (2003). Sense of place amongst adolescents and adults in two rural Australian towns: the discriminating features of place attachment, sense of community and place dependence in relation to place identity, Journal of Environmental Psychology, 23: 273-287.
- Relph, E. C. (1976). Place and placelessness. London: Pion.
- Schwanke, D. (2003). Mixed-use development handbook. Washington, D.C: ULI.
- Shamai, S. (1991). Sense of place: An empirical measurement. Isreal, Geoforum volume 22: 347-358.
- Steele, F. (1981). Sense of place. Boston: CBI Pub.
- Tuan, Yi-Fu. (1977). Space and Place the Perspective of Experience. New York: University of Minnesota Press.

## مأخذ تصاویر

- جوادیان، امیرعلی (۱۳۸۶) آرشو امیرعلی جوادیان.

به افزایش حس مکان و صمیمیت فضا می‌شود.

محموریت بصری<sup>۱۲</sup>: عنصری برای تعریف مکان و به وجود آوردن حس هویت است. محصوریت بصری، احساس قرارگیری انسان در داخل فضای تعریف شده است. محصوریت، بستگی به سه عامل «نسبت جداره به کف»، «طول فضا» و «فرم ساختمان» دارد که احساس امنیت و راحتی را نیز القاء می‌نماید (تصویر ۱).

تضاد و تنوع: در عناصر سازنده محیط برای به وجود آوردن حس مکان لازم است. بدون این کیفیت‌ها، مکان‌ها شبیه به هم و فاقد هویت می‌شود. ایجاد فضاهای متمایز، نیازمند جدایی واضح (clear break) بین ساختمان‌ها است. یعنی ابتدا و انتها مشخص باشد. لبه برای ایجاد این حالت نقش مؤثری دارد. تنوع محیطی به تشخیص فضاهای مختلف کمک می‌کند و باعث راحتی و خوانایی محیط می‌شود (تصویر ۲).

دید: چشم‌انداز و دید برای ایجاد و تقویت حس مکان مؤثر است. دیدن مناظر متفاوت می‌تواند باعث خلق حس ویژه‌ای از مکان برای هر منظره و نقش‌انگیزی هر مکان شود. محدود شدن دید می‌تواند احساس تنگی و تأثیر منفی ایجاد کند. دید باید به گونه‌ای طراحی شود که نشانه‌های بصری در مرکز آن قرار گرفته باشد (تصویر ۳).

ورودی و خروجی<sup>۱۳</sup>: برای به وجود آوردن حس، تعریف فضا نقش مهمی دارد و می‌تواند ورود و خروج به فضا را برای استفاده‌کننده قابل درک کند.

نام‌گذاری<sup>۱۴</sup>: حتی یک عمل ساده مانند نام‌گذاری می‌تواند به بازشناسی یک مکان کمک کند. نام، نقش مهمی در بازشناسی هویت دارد و نام هر مکانی نشانگر اتفاقی است که در آن فضا رخ می‌دهد.

حس مکان یعنی تجربه و درک خاص از یک قرارگاه ویژه که جهت‌گیری شخص را نسبت به یک مکان با احساسی از تفاوت، جهت‌یابی و درک فضایی مشخص می‌کند.

Particular experience and perception of a special setting specifying a person's orientation to a place and a feeling of spatial differentiation, orientation and perception is defined as the sense of place.

## نتیجه‌گیری

بعد از بررسی مکانیسم‌ها و فرایندهای متفاوت ارتباط انسان با محیط و تمرکز بر حس مکان، مطالعات نشان می‌دهد که درک روابط انسان و مکان مستلزم تجسم کردن زمینه‌های فیزیکی و اجتماعی- فرهنگی است و مکان، جایی است که احساسات می‌تواند ابراز شود و این احساس با برقراری پیوند بین انسان و مکان، زمینه‌ای برای تفاوت، جهت‌یابی و درک فضایی پدید می‌آورد. حس مکان، دارای دو بعد است؛ یکی ریشه در باورها و اعمال فرهنگی دارد و فرد را با مکان ارتباط می‌دهد که شامل عناصر غیر فیزیکی و دارای کیفیت ذهنی است، دیگری متأثر از زمینه‌های بیرونی و کالبدی است که بیشتر بر جنبه‌های فیزیکی تأکید دارد و طراح می‌تواند بر آن تأثیر داشته باشد.

برای ایجاد حس مکان، محیط باید دارای کاراکتر و ساختاری ویژه باشد. بدین منظور تمام محیط مصنوع به صورت یک کل یکپارچه می‌بایست در طراحی مدنظر قرار گیرد. مشخصات کالبدی مانند پیوستگی بصری، محصوریت بصری، تضاد و تنوع، دید، خروجی و ورودی، منظرسازی و نام‌گذاری از عناصر عینی هستند که حس مکان را افزایش و تقویت کرده، باعث ایجاد حسی قوی از فضا در ساکنین آن محیط برای زندگی در آینده آن مکان می‌شود و محصول آن ارزیابی مثبت ساکنین از محیط زندگی خواهد بود ■